

05-11-2011

محمد عالم افتخار

«پاکستان»؛ اسرائیل و «افغانستان...» فلسطین کمیته 300 است !!

بنده با اینکه مصروف تدارک رساله ای درین مضمون و محتوا میباشم؛ معهذا رویداد های خبری غافلگیرم میکند. از جمله انتشار خبری از فرمایشات هنری کسینجر ناگزیرم ساخت که سخنانی ارتجالی ای چند داشته باشم. اینک خبر و نظری دیگر:

خبر:

هنری کسینجر: آمریکا پیش از طالبان با پاکستان، هند و ایران مذاکره کند

وزیر امور خارجه سابق آمریکا با انتقاد از خروج زود هنگام نظامیان از افغانستان، به دولت اوپاما توصیه کرد تا پیش از طالبان با همسایگان افغانستان مذاکره کند.

<http://www.payam-aftab.com/fa/news/16396/>

وزیر امور خارجه سابق آمریکا با انتقاد از خروج زود هنگام نظامیان از افغانستان، به دولت اوپاما توصیه کرد تا پیش از طالبان با همسایگان افغانستان مذاکره کند.

هنری کسینجر وزیر امور خارجه سابق آمریکا در سخنانی خطاب به گروهی از متفکران آمریکایی گفت: «آمریکا به جای مذاکره با طالبان نخست باید با همسایگان افغانستان مذاکره کند».

وی که در «مرکز بین المللی وودرو ویلسون» از اتاق های فکر مستقر در واشنگتن صحبت می کرد ضمن انتقاد ضمنی از سیاست کاخ سفید در اعلام زمان خروج از افغانستان گفت که این کار باعث کاهش شدید توانایی آمریکا برای رسیدن به یک توافق در مسئله افغانستان خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این سیاستمدار کهنه کار افزود: «من با اصل مذاکره با طالبان مخالف نیستم اما برای پایان دادن به جنگ افغانستان، ترتیب برنامه ها اشتباه است».

وی افزود: «به نظر من آمریکا برای خروج خود از افغانستان ابتدا باید با کشورهای همسایه افغانستان از جمله پاکستان، هند، ایران و کشورهای تأثیرگذار در این منطقه مذاکره کند».

کسینجر با اشاره به اینکه خروج از جنگی مانند افغانستان به شدت دشوار است، گفت: «اگر قرار است مذاکرات با طالبان صورت گیرد باید در چارچوب یک مذاکره منطقه ای چند جانبه باشد».

وی تصریح کرد که اگر آمریکا سربازان خود را قبل از یافتن راه حل برای مسئله افغانستان از این کشور خارج کند، این مسئله باعث تضعیف قدرت آمریکا خواهد شد.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا همچنین تصریح کرد که هدف سیاسی اصلی در جنگ افغانستان را نمی توان از طریق چارچوب های زمانی تعیین شده برای مداخلات نظامی آمریکا در سایر کشورها محقق کرد.

نظر:

محمد عالم افتخار

اولین پرسش اینجا این است که آیا جناب هنری کسینجر که عضو ارشد کمیته 300 استند؛ از کلمات و جملات بالا همان مفهوم ها را مد نظر دارند که ما می فهمیم یا این کلمات در واقع شفر ها میباشند و

معانی ی دیگر را القا میکنند . ثانياً به فرض اینکه ما توانسته باشیم مفاهیم نسبتاً درست را از آنها استخراج کنیم باورکردنش سخت است که مطالب مربوط به خروج نیرو ها از افغانستان و تعامل یا تقابل و تضارب با همسایه گان افغانستان ؛ اصلاً در جایی بیرون از کمیته 300 - کانون توطئه های جهانی و حکومت پنهان اما اصلی ی امپریالیزم بر جهان - بحث و اتخاذ شده باشد .

در واقع از یک نظر عمقی ؛ ما و مطبوعات و کانال های اطلاعاتی ما هئى به معلول می پیچیم و نیروی های سیاسی و نظامی ما در بهترین حالت با معلول هاست که دست و پنجه نرم میکنند .

وضع افغانستان؛ تشنجات منطقه ما و استبداد وحشیانه حاکم بر منطقه و فراتر بر جهان اسلام ؛ اصلاً نتیجهء دسپایس کمیته 300 است که در چندین دهه اخیر جناب کسینجر در آن دست بالایی داشته اند . اگر کسی بتواند سلسله افکار و سخنان همین آقای کسینجر را تعقیب نماید ؛ در خواهد یافت که ایشان حتی تا دیروز حرف و سخن دیگر و حتی متضاد داشتند .

ولی اگر ساده لوحانه قبول کنیم که اکنون آقای کسینجر و «اتاق های فکر» تحت نظر شان به این نتیجه رسیده اند که بحران افغانستان و منطقه را به نحوی عمقی و ذو جوانب حل کنند ؛ هم این فرمول ها ریاکارانه به نظر می آید . اصلاً طالبان مگر مخلوق کمیتهء 300 و ملتاریسم امپراتوری ی مالی امریکا و انگلیس و صیهونیست ها نیستند؟!

و حتی آی ایس آی و پاکستان چنین نیست؟؟!

و حتی چنین کفری بر قبله اسلام توسط همانها مسلط گردانیده نشده و امروزه رژیم اولترا تئواکراتیک ؛ استبدادی و ارتجاعی سعودی با چنگ و دندان اتومی و ماورا اتومی امپریالیست ها بر پای نگهداشته نمیشود؟؟!

پس اگر به راستی آقای کسینجر طرح و فرمول حل دارد ؛ بایست همه این واقعیت ها را محاسبه فرموده فرمول بدهد . مثلاً وقتی کمیتهء 300 با تمام قوت سعی در نگهداشتن ملتاری ی پاکستان به حیث ژاندارم منطقه دارد ؛ با هند یا ایران یا کشور های آسیای میانه میخواهد چه مذاکره ای داشته باشد ؟

پاکستان برای کمیتهء 300 ؛ اسرائیل منطقه است ؛ اسرائیلی که فلسطینش ؛ نه تنها افغانستان بلکه گسترهء آسیای میانه هم هست !!

بنده شخصاً بیانات **مولوی نیازی** قوماندان باصطلاح طالبان را در مزار شریف به یاد دارم که گفت : هدف جهاد امارت اسلامی وادی

یفرغانه و سمرقند و بخارا ست و تا روسیه و چین هم پیش باید برویم .

من این سخنان را از رادیو شریعت و تبلیغ چی های تکفیری پاکستانی فراوان شنیده بودم و هموطنان هم فراوان شنیده اند ولی از زبان مولوی نیازی در «فتح مبین!» شمال افغانستان طبعاً معنا و بار رسمی و استراتژیکی داشت و دارد .

یا شیعه های مزار شریف را فرمود که «مسلمان!» شوند و یا نابود میگردند و به همین دلیل هم مشت نمونه خروار ؛ نابود سازی مذهبی نمای امارت اسلامی را نشان داده و قتل های عام دامنه داری راه انداختند .

مسئله برای هر عاقل و بالغ این نیست که ملا عمری و بن لادنی چین و چنان است و بس . بلکه مسئله این است که این سیاست و استراتژی کمیتهء 300 است و معطوف به تصفیه های دامنه دار نسلی و از میان برداشتن « مصرف کننده گان بی مصرف» ثروت های عظیم طبیعی اور آسیا و شرق میانه میباشد .

لذا جناب کسنجر چه میخواهد بگوید که با هندی که پاکستان کنونی آنرا «دشمن ملی» می شناسد و با ایرانی که به دلیل شیعه بودن در کادر این سیاست محکوم به معدوم شدن است و با آسیای میانه ای که باید چون فلسطینی ها سرزمین و ثروت های خویش را به نماینده گان ددمنش کمیتهء 300 واگذار کنند ؛ آجندای مذاکرات چه خواهد بود و اصلاً مذاکرات معنا دارد ؟ مگر در اینکه با طالبان یعنی ای ایس آی - چه پس ؛ چه پیش - مذاکره شود ؛ جز در فرهنگ کمیتهء 300 معنا و نیازی میتوان یافت ؟؟؟

لطفاً بیاندیشید و اگر چیزی یافتید بنده و دیگران را هم خبر کنید .